سیدهاشم سدید ۲۰۱۲/۰۴/۲۹

# کالبد شکافی جنایات هفت و هشت ثور
## به کار بیشتر نیاز دارد!

سی و سه سال تخت از روزی می گذرد که سیه دلان دغلکار و عوام فریب خلق و پرچم بنام یک اندیشهٔ والا و انسانی، و بنام اینکه کشور ما را به بهشت یگانه ای بر روی زمین بدل می کنند از طریق کودتای خونینی که آن را وقیحانه انقلاب خواندند قدرت سیاسی را بدست گرفتند.

تصور بهشت سازی بر روی زمین البته تصور منحصر به این سیه دلان دغلکار نبود. قبل بر این کشورهای دیگری هم بنام این اندیشه، و بنام اینکه با خدا در ساختن بهشت رقابت خواهند کرد، دست به کودتا ها و انقلاباتی زده بودند و آنچه را خود سوسیالیزم می پنداشتند، به محک تجربه آزمودند. و با این کار شان این اندیشه را که تنها بر سه یا چهار اصل ثابت و متباقی اصول تغییر پذیر و تابع زمان بنا یافته است، بدنام کردند!

چهارده سال پس از این روز سیاه و ننگین، سیه دلان فریبکار دیگری به نام مجاهد سر از آخور دیگری برآوردند تا جنایات و کشتارهای نا تمام سلفی های شان را تمام کنند و اگر ذیروحی از زیر ساطور خلق و پرچم جان به سلامت برده باشد، این ها آنها را به زیر ساطور ببرند؛ که بردند و با چه دنائت و وحشت بردند!

ماهیت و پلیدی خود، و اعمال عاملین و ایادی بدنام این دو روز المناک آنچنان روشن است که اگر ـ بدون مبالغه ـ عمری بنشینیم و هیچ کار دیگری غیر از نوشتن در مورد سیاهکاری ها و در مورد زندان و شکنجه و تحقیر و توهین و تجاوز و کشتارهای وحشیانهٔ صدها هزار انسان شریف و بی گناه بدست این جلادان سیه رو و سیه کردار، و در بارهٔ روسپی گری های سیاسی و خیانت ها و وطن فروشی های آنها بنویسیم، شاید صفحه ای از میلیون ها صفحهٔ یک دفتر آن هم تمام نشود.

این کار، با کار نوشتن سرگذشت هر لحظهٔ یک یک از انسان هائی که قربانی بانیان این دو سیستم جنایت پیشه و افراط گرائی کور شده اند، و نوشتن یک یک از مظالم این درنده خویان، علی الخصوص زمانی که صد ها هزار انسان آزاده و ضد اسارت و تحکم و استبداد با میلیون ها خاطره و قصه و گفتنی، در دوران حاکمیت این دو نظام و بدست دژخیمان خلقی ـ پرچمی و زمامداران به اصطلاح مسلمان و مجاهد از بین می روند، به یقین بی نهایت دشوار است.
دشوار است، چون قسمت زیادی از این خاطره های جانسوز که پرده از روی چگونگی همه جنایات این نسل کشان بی وجدان برمی داشت همراه با همهٔ کسانی که زندگی شان را در دوره های شوم بعد از هفت و هشت ثور در پلچرخی ها، در پولیگون ها، در باران های راکت بر کابل و در جنگ های افشارها و . . . از دست دادند به زیر خروار ها خروار خاک و سنگ مدفون شد.

دسترسی به منابع اولیهٔ این خاطره های تلخ سوگمندانه محال است، و نوشتن در آن زمینه ها محال تر از آن.
پس چه باید کرد؟ آیا همانگونه که وزیر معارف حاکمیت کرزی در مورد حذف بخشی از تاریخ سی و اند سال گذشته در کتاب های درسی معارف پیشنهاد کرده بود، باید از روی این بخشی از تاریخ به این طرف خیزی برداشت و سکوت کرد؟!

پوشاندن جنایات و پرده انداختن بر روی ناروائی ها و سکوت در برابر فجایع فاجعه آفرینان خلق ـ پرچم و تنظیم های اسلامی و طالب نه تنها کار درست نیست، که خود از زیر بار مسؤولیت های انسانی و ملی فرار کردن و نوعی جنایت است.

خوشبختانه طوری که دیده می شود ده ها نویسندهٔ دردمند و مسؤول طی مقالات بسیار محققانه، خوب و روشنگرانهٔ خود همه ساله گوشه هائی از این غمنامه را بیان می کنند، ولی آیا همهٔ آن مصیبت هائی که بر مردم طی این همه سال رفته است، در این نوشته ها بازتاب یافته اند، یا بازتاب می یابند؟


افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

چرا دیگران خاموش اند؟ چرا آنهائیکه خود مورد ستم و بیداد عریان این بیدادگران قرار گرفته اند، یا آنانی که خود یا نزدیکان و بستگان و خویشاوندان و دوستان و آشنایان شان شاهد اعمال غیرانسانی اینها بوده اند، خاموشی اختیار کرده اند و چیزی نمی گویند و نمی نویسند؟

به یقین که خاطره های هر انسانی دفتر قطوری خواهد بود که گوشه های از زندگی و مرگ صد ها هزار انسان بی گناه و حماسه های قهرمانان را از یک سو و صحنه های از ربودن و بستن و توهین و شکنجه و تجاوز کردن و کشتن و . . . را در سوی دیگر به نمایش خواهد گذاشت.
فراموش نکنیم که آنچه نویسندگان شریف و باوجدان ما تا امروز، بخصوص در روزهای مقارن با این دو زمان به عنوان سر آغاز دوران شرمساری جنایت پیشگان هفت و هشت ثور، نوشته می کنند - که در جای خود در خور قدر و ستایش است - و این دو روز هولناک و حوادث و پی آمد های قابل رؤیت و غیرقابل رؤیت آنها را با قوت و صداقت تمام تقبیح و محکوم نموده مراتب (درجه های) تنفر خویش را ازعاملین این دو روز ابراز می دارند، برای کالبد شناسی همه جنایت های این دو دسته + طالب، آنگونه که دیده می شود، کافی نیست.

هر بخشی از تاریخ، بخصوص این بخشی مملو از داد و درد و اشک و خون و غم و ظلم و مظلومیت، باید تا حد توان روشن گردد. چرا؟ چون شناخت هر بخشی از تاریخ برای شناخت دقیق و کامل تاریخ کشور از اهمیت خاصی برخوردار است.

لوتر در خصوص یادگیری از تاریخ می گوید: " از تاریخ یاد می گیریم که پارسایان و فرزانگان در پی چه چیزها بودند و از چه دوری می جستند و چگونه می زیستند و روزگار بر آنان چه سان می گذشت یا به چه پاداشی رسیدند، و بعکس، بدکاران و اصرار ورزان بر جهل چگونه عمر به سر بردند و چه کیفرهایی بر ایشان رانده شد."
بنا بر این، خواهش این قلم، طوری که قبلاً هم بار بار این خواهش را نموده است، برای گرفتن انتباه از تاریخ، ادای دین جان باختگان فرزانهٔ ضد استبداد و ظلمت پرستی این است که:
- همه، بخصوص کسانی که خود بگونهٔ شاهد حوادث یا متأثر از جنایات خلق - پرچم و مجاهد - طالب بوده اند، باید بنویسند. پشت زمان و وقت نگردند! بنویسند؛ اگر مقارن با هفت و هشت ثور بود، یا نبود!
- در بیان این بخشی از تاریخ طالب و جنایات وی را نباید فراموش کرد.
- همراه با نوشتن فجایعی که این سه دسته مرتکب شده است، باید علل بروز و علل به قدرت رسیدن آن ها نیز بیان شود.
بطورمثال:
- غفلت و میدان دادن مردم به این ها تا امروز از قلم افتاده است.
- عقب افتادگی سیاسی - اقتصادی و فرهنگی مردم و تأثیرات آن بر تحولات مثبت و منفی در کشور.
- سستی و بی علاقگی امرا، شاهان و سردمداران کشور در قسمت آبادی ملک و بالا بردن سطح زندگی و سطح آگاهی و دانش مردم.

انتخاب گزینه های نامطلوب مانند خلق و پرچم از یک طرف و اسلام نمایانی بنام مجاهد و طالب از طرف دیگر شاهدی بر سطح پائین آگاهی عام، و دانش اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - علمی مردم می باشد. مردمی که سطح آگاهی و دانش شان کم باشد زود اغفال می شوند و زود فریب می خورند!

تاریخ، تنها نوشتن حوادث نیست! اصل تاریخ نویسی ذکرعلل وقایع و حوادث است که در نوشتن آن در جوامع مانند جامعه ما تا حدودی زیاد غفلت شده است. شاید بدلیل اینکه بعضاً مشکل و درد سر آفرین است؛ ولی به هر حال، و بالآخره تاریخ باید همانگونه که تاریخ نویسی در جوامع پیشرفته رواج دارد، نوشته شود!!

پایان


افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ